گزارش تصویری حوادث

انفجار در ساختمان پست بانک

شیشه های پنجره مهمانسرای ساختمان پست بانک واقع در بلوار امام خمینی (ره) جنب کلانتری شماره ۱۲ دراثر نشت گاز و انفجار ناشی از افزایش فشار در اتاق، شکسته و به پائین فرو ریخت.

این حادثه که ساعت ۱۲:۵۰ روز پنجشنبه مورخ ۸۵/۹/۲۳ به وقوع پیوست خوشبختانه خسارت جانی در برنداشت. علت حادثه نشت گاز از شیلنگ بدلیل پارگی آن گزارش گردیده است.

نمایی از شیشه شکسته ساختمان در اثر انفجار

با تشکر از سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی بندرعباس

مصاحبه بادختر جوان مبتلا به ایدز

من هم دوست دارم سالم زندگی کنم

پژوی سفید رنگ ۲۰۶ ناگهان ترمز کرد . خط ترمز چند متری وصدای ترمز باعث شد جمعیت به ماشین نگاه کنند .جوان بیست ودو ساله ای از ماشین پیاده شده و به طرف صندوق عقب ماشین رفت، درصندوق عقب را باز کرد، نگاهی به داخل صندوق عقب انداخت و سپس اطراف را نگاه کرد . جوان سوارماشین شد و حرکت کرد. سر تقاطع دور زد و برگشت . چند متر مانده به محلی که قبلا ترمز کرده بود دختر جوانی ایستاده بود، سرعت ماشین را آهسته کرد.

شیشه ماشین را پایین کشید. دختر جوانی که کنار خیابان ایستاده بود اطراف را نگاهی کرد. سپس در ماشین را باز کرده و سوار ماشین شد.

عینک آفتابی را از صورتش برداشت و گفت : هوا چقدر خوب است ! یک نخ سیگار از داخل کیفش بیرون آورد و کنار دهانش گذاشت سیگارش را که روشن کرد نگاهی به راننده جوان انداخت ، لبخندی زد و گفت: کجا قرار است برویم، ؟ ! جوان راننده خندید و ماشین حرکت کرد.

روز بعد وقتی از همان محل رد می شدم، همان دختر جوان را دیدم که درمحل دیروزی ایستاده و گویی منتظر ماشین دیگری است... این بار یک زانتیای نقره ای رنگ کنار خیابان برایش می ایستد. دختر جوان به مرد راننده می گوید کجا برویم ؟ راننده با بی تفاوتی گفت: فقط می خواستم یه دوری بزنم. سپس در یک چشم به هم زدن زانتیای نقره یی خودش را به ترافیک شهر سپرد.

دختر جوان ناامید روی صندلی ایستگاه اتوبوس نشست. موبایلش را از داخل کیفش درآورد و شماره ای گرفت . آرام‌آرام به او نزدیک شدم و روی صندلی کنارش نشستم. موبایلش را قطع کرده و داخل کیفش گذاشت.با تندی و خشم نگاهم کرد .

آرام آرام از او پرسیدم : چطور شد که توی این کار وارد شدی؟ دختر جوان خودش را جمع وجور کرد،نگاهی عمیق به من کرد وگفت: خانم، حوصله داری ها ! مرا یاد آرزوهای ازدست رفته ام نیندان، اصلا شما کی هستید و زندگی من به شما چه ربطی دارد؟ گفتم: من خبرنگارم و می خواهم داستان زندگیت را در روزنامه بنویسم.خندید و گفت : اینجا روی صندلی ایستگاه اتوبوس ؟ ! بیا برویم داخل این پارک بنشینیم می خواهم از روز اول بدبختی ام برایت تعریف کنم. اندکی مکث کرد و ادامه داد:راستی خاطره های تلخ گذشته ام، کم کم داشت فراموشم می شد . آنقدر در دنیای آلوده ام گم شدم که وقت ندارم به گذشته ها فکر کنم .

به مرور به تلفن های این مزاحم تلفنی عادت کردم و بعد از چندی قرار گذاشتیم و توی خیابان با هم آشنا شدیم . جوان بدی به نظر نمی رسید، با او دوست شدم. کم کم رابطه مان صمیمی تر شد

سپس به پارک... رفتیم و روی نیمکتی در یک جای خلوت نشستیم. چند لحظه ایی به فکر فرو رفت . گویی می خواست همه چیز را در ذهنش یکبار بطور کامل مرور کند و بالاخره گفت: هیچ آدمی دلش نمی خواهد توی کار خلاف باشد، ولی یک سری حوادث و وقایعی برایش پیش می‌آید که خواسته یا ناخواسته وارد آن مسیر می شود که نباید. بعد از یک مدت می بیند که کاملا آلوده شده و دیگر راه بازگشتی ندارد.

حتی اگر بخواهد برگردد و گذشته خود را فراموش کند این جامعه و خانواده است که دیگر پذیرای او نیست و چنین افرادی وقتی تمام راهها را به روی خود بسته می بینند سعی می کنند به نحوی از کسانی که آنها را در این منجلاب گرفتار کرده اند انتقام بگیرند.

فکر می کنید من دوست ندارم سالم زندگی کنم ، درس بخوانم و برای خودم کاره ایی شوم؟ باور کنید من هم ازگناه کردن نفرت دارم . ولی نباید مردم و جامعه از امثال ما بیزار باشند . ما خود قربانی هستیم. باشهرام،اتفاقی و تلفنی دوست شدم یک روزظهر وقتی تلفن زنگ زد، رفتم گوشی تلفن را برداشتم. شهرام بود. خیلی باادب گفت: منزل آقای شفیعی؟ گفتم: نه خیر آقا، اشتباه گرفته اید. معذرت خواهی کرد. من هم گوشی را گذاشتم. به طرف اتاق رفتم که تلفن دوباره زنگ زد. باز شهرام بود. گفت: منزل آقای شفیعی؟ گفتم: نه خیر اشتباه گرفته اید. این بار گفت: مثل اینکه خط ها اشکال دارد. اگه زحمت نیست وقتی گوشی را گذاشتم،شما چند لحظه گوشی را نگهدارید تا من شماره ام را مجدد بگیرم. من هم قبول کردم.

به مرور به تلفن های این مزاحم تلفنی عادت کردم و بعد از چندی قرار گذاشتیم و توی خیابان با هم آشنا شدیم . جوان بدی به نظر نمی رسید، با او دوست شدم. کم کم رابطه مان صمیمی تر شد . از طرفی هم پدرم آدم مستبدی بود و مرا اذیت می کرد . وقتی فهمید با شهرام رابطه دوستی دارم با کمربند به جانم افتاد و ۱۰ روز مرا در زیرزمین خانه زندانی کرد.

من شهرام را دوست داشتم و نمی توانستم بدون او زندگی کنم. وقتی از آن تاریک خانه بیرون آمدم به خانه شهرام رفتم و گریه کنان از او خواستم که به خواستگاری ام بیاید. شهرام به من گفت که مدتی در خانه او بمانم و بعد با خانواده اش که در شهر سمنان بودند صحبت می کند و به خواستگاری ام می‌آید. شهرام در تهران به تنهایی زندگی می کرد.

من هم قبول کردم وبرای اینکه از دست اذیت های پدرم در امان باشم، پیش شهرام ماندم. این اشتباه من تا آنجا پیش رفت که یک روز شهرام از غفلت من سوءاستفاده کرد و من هم که دیگر رویی برای بازگشت به خانه نداشتم پیش او ماندم.اوایل برخوردش با من خوب بود ولی بعد ازمدتی متوجه شدم که شهرام با دخترهای زیادی رابطه دارد.

از طرفی هرچه به او فشار می‌آوردم که مرا به عقد خودش در آورد بی فایده بود . او از غفلتم استفاده کرده وفریبم داده بود .یک روز همه پول و اشیای قیمتی شهرام را برداشتم و از خانه اش بیرون آمدم .

اوایل فکرمی کردم می توانم با پولها و وسایلی که از خانه شهرام برداشته بودم زندگی راحتی داشته باشم ولی آن پول ها خیلی زود تمام شد.

من ماندم و انبوهی از مشکلات، فقر وفلاکت . نه شغلی داشتم ونه سواد درست و حسابی و نه روی بازگشت به خانه . وقتی غذایی برای خوردن نباشد ، وقتی سرپناهی برای آدم نباشد و ... چه می توان کرد؟ من قربانی شده‌بودم ودرچاهی افتاده بودم که نمی توانستم خودم را بالا بکشم .

وقتی فشار مشکلات زندگی به اوج رسید، آمدم کنار خیابان ایستادم . اوایل از خودم خیلی بدم می‌آمد. از نگاه مردها متنفر بودم. دوست داشتم بمیرم. چند بار هم اقدام به خودکشی کردم ،اما خدا، بنده گناهکارش را دوست ندارد.

یک شب اینجا، یک روز آنجا، یکماه خانه این یکی،یک روزسوار ماشین آن یکی... تقریبا عادت کردم. یک روز متوجه شدم آلوده شده ام. آلوده به همان بیماری لعنتی. من توسط یکی از همین آدمهای آلوده به ایدز شده بودم.

می دانم چه آینده ایی در انتظارم است و می دانم که چه وضعیتی دارم. احساس نفرت وترس از مرگ مرا بر آن داشت که از همه آنهایی که مرا به این منجلاب کشیده اند انتقام بگیرم .

نخستین کاری که کردم رفتم سراغ شهرام همان پسری که عاشقش بودم و به خاطر او پدر و مادرم را رها کردم . اما او جواب مرا با سنگدلی و بی محبتی داد .

شهرام با دیدن من تعجب کرد .چند روز در خانه اش بودم در آخرین روز به او گفتم که آلوده شده ام و قبل از اینکه بخواهد کاری کند از خانه اش زدم بیرون...از روی حسرت آهی کشید و بار دیگر سیگاری از کیفش در آورد. صحبت های او ترس‌آور و هول انگیز بود.

گفتم: چرا خودت را به یک بیمارستان یا درمانگاه معرفی نمی کنی؟ گفت: کار از این حرفها گذشته. مرگ من حتمی است .

چه لزومی دارد بروم خودم را درگیر دوا ودرمان کنم؟ سیگارش که تمام شد ، زیر پایش له می کند . از جایش بلند می شود و می گوید : خداحافظ.

در یک چشم به هم زدن توی کوچه و پس کوچه های شهر گم می شود .

با تشکراز اداره کل زندان های استان هرمزگان

حوادث دنیا

بلند قدترین مرد جهان ، دلفین های چینی را نجات داد

✔ بازوهای کشیده بلند قدترین مرد جهان با بیرون کشیدن پلاستیک از معده دو دلفین توانست آنها را از مرگ حتمی نجات دهد .

بازوهای کشیده بلند قدترین مرد جهان با بیرون کشیدن پلاستیک از معده دو دلفین توانست آنها را از مرگ حتمی نجات دهد . بنا به گزارش روزنامه China Daily ، این دلفینها در اثر جویدن تدریجی لبه های پلاستیکی استخر خود بیمار شده بودند و ابزارهای جراحی برای بیرون آورد این قطعات مفید واقع نشده بود زیرا معده این جانوران در اثر ورود این ابارها واکنش نشان داده و عملیات را متوقف می کرد .

در اینجا بود که دامپزشکان تصمیم گرفتند از بائو زیشون (Bao Xishun) کمک بگیرند، که گله داری ۵۴ ساله با قد ۲ متر و ۳۶ سانتی متر است و نام او در سال گذشته به عنوان بلندقد ترین مرد زنده در کتاب رکوردهای گینس ثبت شده است .

به گفته چن لوجون (Chen Lujun) ، مدیر آکواریوم (Royal Jidi Ocean World) شکل خاص معده دلفین موجب میشود که فرو بردن یک ابزار در آن، بدون آسیب زدن به این حیوان ناممکن شود، از طرفی بازوی افراد عادی هم کوتاهتر از آن است که به مواد پلاستیکی داخل معده او برسد . " هنگامی که نتوانستیم این اشیا را خارج کنیم، از بائو زیشون که در مغولستان داخلی زندگی می کند، کمک خواستیم. او در این کار موفق شد و هر دو دلفین در شرایطی بسیار خوب هستند ".

البته هنوز ذره های بسیار کوچکی از پلاستیک در معده دلفین ها باقی مانده است که به تدریج از دستگاه گوارش آنها خارج خواهد شد .

□□□

سارق خواب آلود !

✔ یک سارق خواب آلود در کرواسی به دام پلیس افتاد .

ماجرا از این قرار بود که وی تصمیم گرفت از ساختمان اداری یک قبرستان در این کشور سرقت کند ، به همین دلیل وی در یک روز تعطیل وارد این مکان شد اما چون چیزی برای سرقت در این ساختمان وجود نداشت حوصله اش سر رفت و به خواب عمیقی فرو رفت ، چند ساعت بعد هنگامی که کارکنان قبرستان به محل کار خود مراجعه کردند ، متوجه شدند که در ساختمان باز است ، به همین دلیل پلیس را خبر کردند . ماموران هم پس از ورود به ساختمان با سارقی مواجه شدند که در خوا ب عمیقی فرو رفته بود .

شرکت فرا رایانه بندر
فروش اقساطی کامپیوتر و لپ تاپ P4
بدون پیش پرداخت و اقساط بلند مدت
FARA RAYANE Co.
آدرس: گلشهر-مجتمع تجاری نخل- ورودی ۱-واحد D.15 تلفن: ۶۶۶۴۶۸۳

مشاور املاک نیاوران
خرید، فروش، رهن، اجاره
با مدیریت عطار
بلوار شهید مصطفی خمینی - حد فاصل میدان صادقیه و چهار راه دانشگاه - روبه روی بانک صادرات غدیر
تلفن : ۶۶۷۳۳۵۵-همراه : ۰۹۱۷۳۶۷۷۳۷۰ عطار
۰۹۱۷۷۶۷۱۴۲۴ طالب زاده

دعوت به همکاری
به یک استاد کار ماهر نجاری و یک استاد کار مجرب دکوراسیون MDF نیازمندیم
آدرس : خ دانشگاه روبروی بانک سپه صنایع چوب ارگ
همراه :۰۹۱۷۷۶۱۵۳۹۹ شهدادی

بورس ورق آلات صنعتگران
◄ عرضه کننده انواع ورق های- گالوانیزه ، آلومینیوم ، استیل
◄ عرضه کننده آلومینیوم رنگی و ساده
◄ تهیه و اجرای کلیه ورقهای پوششی
◄ خرید ضایعات آلومینیوم
بندرعباس : سربالایی کمربندی ، روبروی بانک ملت
تلفکس : ۳۳۴۲۰۴۹ همراه : ۰۹۱۷۱۶۳۰۶۱۱

مشاور املاک نواب
خرید ، فروش ، رهن ، اجاره
با مدیریت فداکار

کلینیک درمان و بازتوانی اعتیاد شفا
مسئول فنی : دکتر امید اسلا می
سم زدایی (متادون ، کلونیدین و ...) درمانه نگه دارنده (متادون ، نالتروکسون) ، مشاوره فردی و خانواده ، روان درمانی ، تنفر ازموادمخدر
آدرس : چهارراه مرادی - به سمت میدان قدس - طبقه دوم پاساژ اشکان- تلفن : ۲۲۲۶۶۱۱

شرکت طراوت سازان پارسیان
اجرای پروژه های ساختمانی
ترسیم نقشه و کروکی
پالیزان
همراه : ۰۹۱۷۷۶۷۷۲۲۸ تلفن : ۶۶۸۲۳۵۷
آدرس : حد فاصل چهار راه رسالت و نخل ناخدا . جنب مجتمع بعثت . مجتمع فجر گلشهر . طبقه دوم

گالری عروس عسلک
لباس های عروس و نامزدی
انواع تور سر ، تاج ، شنل
سفارش دوخت پذیرفته می شود
آدرس : روبروی مصلی نبش کوچه جهاد ٤- تلفن: ٦٦٦٨١٢٥

تشکل غیردولتی جوانان
خامس آل عبا
با مجوز رسمی سازمان ملی جوانان
قابل توجه حسینیه ها و تعزیه خوانهای استان هرمزگان
◄ تهیه و توزیع نسخه های تعزیه ماه محرم و صفر از مرحوم حسینعلی قضایی مینابی مرثیه سرای بزرگ جنوب
◄ بررسی عزاداری بندرعباس
بلوار امام خمینی (ره) ، بین بلوکی و یادبود ، پاساژ نصر
با ما تماس بگیرید تلفن : ۲۲۴۰۱۳۰-۲۲۳۰۴۶۴

تاکسی تلفنی هستی
شبانه روزی
با سرویس دهی جهت ادارات ، مجالس و مدارس
۷۳۳۱۱۰۶-۷
آدرس : بلوار امام حسین ، پشت پمپ بنزین ، جنب منازل آموزش و پرورش
با مدیریت حیدری

مرکز عروس هرمزگان
مرکز آرایش عروس در استان
ارائه کلیه خدمات آرایشی و زیبایی با جدیدترین متد روز دنیا به عروس خانم های استانی و شهرستانی
دارای مدرک تخصصی از فرانسه
☑ آدرس: چهار راه مرادی پاساژ اشکان طبقه اول واحد ۲
☑ تلفن : ۲۲٤٦٨٩٤

تدریس
ریاضی ، فیزیک ، آمار- در کلیه مقاطع
همراه : ۰۹۱۷۳۶۰۲۵۰۷

سالن آرایش و زیبایی مانا
ارائه کلیه خدمات آرایشی و زیبایی با جدیدترین متد
۲۰ نوع درمان پوست با محصولات تالگو فرانسه کاشت ناخن - کاشت مژه و رنگ و فر مژه اکستیشن مو - اپیلاسیون با وسایل بهداشتی و یکبار مصرف
آدرس : خیابان امام خمینی - نرسیده به میدان یادبود کوچه پیروزی ۲٤ - طبقه سوم بانک ثامن الائمه تلفن : ۲۲۳۱۰۵۰

سبزه ناز
SABZE NAZ
آدرس : چهارراه مرادی به طرف میدان قدس جنب بانک مسکن
تلفن : ۲۲۲۹۳۳۳

مشاور املاک دریا
◄ خرید
◄ فروش
◄ رهن
◄ اجاره
آدرس : بندرعباس ، بلوار دانشگاه ، مجتمع تجاری مسکونی دریا
تلفن : ٦٦٦٩٢٢٣ لقمانی - عبدالله نژاد

مشاور املاک حافظ
خرید ، فروش ، رهن ، اجاره

سالن آرایش رازک
◄ کشت ناخن دائم با مدرک از پکی ساژ فرانسه
◄ گریم عروس از فرانسه
◄ کاشت مژه دائم
◄ کلیه خدمات آرایشی
آدرس : آزادشهر ، خیابان سپاه ، بعد از نانوایی ، جنب املاک پرسپولیس طبقه همکف تلفن : ۳۵۵۰۹٦٦

املاک خواجه عطا
با مدیریت میرحسینی
مشاوره در امر :
خرید ، فروش ، رفن ، اجاره و پیش فروش
بندرعباس : خواجه عطا ، تقاطع بلوار چمران و بلوار معلم
تلفن : ۳۳۳۷۳۱۵ همراه : ۰۹۱۷۷٦۸۵۰٦۹